

همدردی با قربانیان
فاجعه «سونامی»
در اقیانوس هند

در واپسین روزهای سال ۲۰۰۴ میلادی و در شرایطی که مردم جهان در تدارک جشن سال نو میلادی بودند، بر اثر زمین لرزه شدیدی به قدرت ۹ ریشتر در بستر اقیانوس هند، موجی سهمگین و بی سابقه از مرگ، نابودی و



نگاهی به رویدادهای جهان در سالی که گذشت در صفحات ۴ و ۵

ادامه در صفحات ۲



شماره ۷۰۳، دوره هشتم
سال بیستم، ۱۵ دی ماه ۱۳۸۳

صف های طولانی برای دریافت
کالا برگ، صف فقر در زمستان

تهران واغلب شهرهای بزرگ و کوچک میهن ما، با آغاز فصل زمستان، شاهد تشکیل صف های طولانی برای دریافت کالا برگ (کوپن) اجناس غذایی بودند. خبرنگاران رسانه های همگانی در گزارش های متعددی یادآور گردیدند که این صفها در برخی مناطق، بویژه تهران بسیار طولانی بود. گویی در زمستان امسال، چهره سرد فقر با سرمای زمستانی هردو بر مردم محروم کشور هجوم آورده اند! خبرگزاری ایسنا به تاریخ ۶ دی ماه گزارش داد، صف هایی بسیار طولانی که اغلب نیز زنان و دختران خانواده های زحمتکش و محروم هستند در سراسر شهر به چشم می خورد. برخی ساعات طولانی را فقط برای دریافت ۲۵۰ بله ۲۵۰ گرم پنیر درجه سد یارانه ای در صف گذرانده اند و تازه با توهین و تحقیر بسیج و نیروی انتظامی هم روبرو شده اند. در همین گزارش تنی چند از مردم با خبرنگار گفتگو کردند که برخی از

ادامه در صفحه ۳

از خواست های به حق پرستاران
حمایت کنیم در ص ۲
جنبش کارگری و چند چالش مهم
در ص ۷

«بازار شام» مبارزات انتخاباتی جناح های
مختلف رژیم ولایت فقیه

آمده بود که دفتر خامنه ای نیز به طور غیر مستقیم گروه «۲+۵» را تشکیل داده است تا این گروه با بررسی نامزدهای «ذوب شده در ولایت» کاندیدای مشترکی را برای انتخابات معرفی کنند. روند مشابهی که در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶ به معرفی ناطق نوری به عنوان «نامزد اصلاح نظام» منجر و با شکست سنگین و تودهنی قاطع مردم در انتخابات مواجه شد. در همین رابطه شکرالله عطارزاده در گفت و گو با خبرنگار ایلنا خبر از حمایت فراکسیون اصولگرایان مجلس از تصمیمات کمیته ۲+۵ خبر داد و گفت: «فراکسیون اصول گرایان مجلس با تائید از آراء و افکار شخصیت های مطرح اصولگرا، درصدد حمایت از یک نامزد واحد در انتخابات ریاست جمهوری هستند و آن را از طریق پیگیری تصمیم گیریهای کمیته ۲+۵ که متشکل از آقایان ناطق نوری، تقوی، باهنر، فدایی، عسکراولادی و ۲ نفر از چهره های مطرح نظام که بر ما نیز مشهود نیست، به سرانجام خواهند رساند.» وی با عنوان اینکه البته برخی از نیروهای اصولگرا از هاشمی رفسنجانی استقبال می کنند، تصریح کرد: «اما حمایت اصلاح طلبان از هاشمی به لحاظ ضربه زدن به سردار سازندگی انجام می شود و آنها با این امر خواهان انتقام گیری و مخدوش کردن چهره وی هستند.» به نظر می رسد که جناح های مختلف «ذوب در

کشمش های جناح های گوناگون رژیم ولایت فقیه، با نزدیک تر شدن موعد انتخابات ریاست جمهوری آینده، هر روز شدت و ابعاد تازه تری به خود می گیرد. نگاهی گذرا به خبرها و اظهار نظرهای گوناگون افراد و گروه های مختلف حکومتی درباره انتخابات آینده نشانگر «بازار شام» بی رونقی است که از سوی اکثریت وسیع مردم میهن ما جدی گرفته نمی شود. در این آشفتگی و به هم ریختگی این مسأله نیز روشن است که گروه های مختلف حاکمیت تلاش می کنند تا با توجه به اوضاع بغرنج و دشواری هایی که رژیم در مجموع با آن روبه روست خود را به عنوان «ناجی» آینده «نظام» معرفی کرده و موقعیت «انتخاباتی» خود را برای کسب حمایت گروه های خودی تقویت کنند. به عنوان نمونه ابوالقاسم رئوفیان، دبیر کل «جامعه اسلامی فرهنگیان» درباره حمایت این انجمن از کاندیدای مشخصی گفت: «جامعه اسلامی فرهنگیان در راستای سیاست دیدار و کسب دیدگاه های کلیه افرادی که احتمال حضور آنها در انتخابات وجود دارد، از دبیر شورای عالی امنیت ملی تقاضای ملاقات داشت که قرار شد این دیدار چهارشنبه هفته جاری انجام شود.» وی همچنین اشاره کرد که «جامعه اسلامی فرهنگیان» تاکنون با لاریجانی، توکلی، احمدی نژاد، ولایتی و هاشمی رفسنجانی دیدارهایی به صورت جداگانه داشته و از کربوبی نیز تقاضای دیدار داشت که دفتر وی تا به حال جوابی به این درخواست نداده است.» در خبرهای مشابه دیگری نیز

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری
برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

از خواست های به حق پرستاران

حمایت کنیم

بر اساس گزارش رسانه های گروهی، اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری و اعضای خانه پرستارایران در اعتراض به وضعیت وخیم حاکم بر زندگی و شغل پرستاران و در ادامه سلسله اعتراض های خود، صبح روز یکشنبه ۶ دی ماه سال جاری دست به تحصن زدند. این تحصن که نزدیک به یک روز ادامه داشت، بدون دریافت پاسخی از سوی مقامات رسمی و دولتی پایان گرفت؛ دبیرکل خانه پرستار ایران در این باره گفت: «متأسفانه تحصن ما بدون پاسخ حتی یکی از مسئولان پایان یافت... نزدیک به ۲ سال است که ما از نجیبانه ترین روش ها برای احقاق حقوق پرستاران استفاده کرده ایم... ما نمایندگان قانونی پرستاران هستیم، اما در اثر فشار جامعه پرستاری که حق خود را می خواهد درحقیقت این آخرین گامی بود (تحصن یک روزه) که در جهت مسالمت آمیز بودن روش های پیگیری حقوقمان برداشته ایم.» وی در بخش دیگری اعلام داشت: «حتی آنچه فعلاً دنبال آن هستیم اجرا نشده، دوماه قبل با پیگیری پرستاران دستور اصلاح مجوزهای استخدامی توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی صادر شد اما هنوز اجرا نشده و معلوم نیست کی باید اجرا شود...» پرستاران کشور در کنار سایر مزدبگیران و مجموعه زحمتکشان میهن ما، از ناحیه اجرای برنامه های اقتصادی - اجتماعی دیکته شده توسط صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، توسط رژیم ولایت فقیه، دچار آسیب های جدی شده اند. سقوط سطح دستمزدها و لاجرم سقوط سطح زندگی پرستاران و پایمال شدن امنیت شغلی آنان باعث شده، هزاران تن از پرستاران شریف و زحمتکش با دشواری های بزرگ روبرو شوند. در سالیان اخیر پرستاران همراه با سایر زحمتکشان مبارزات متعددی را برای احقاق حقوق خود سازمان دادند و به تلاشی جدی و احترام برانگیز دست یازیدند، اما به دلیل نداشتن سندیکا و اتحادیه مستقل و رزمجو و پراکنده بودن مبارزات تاکنون به حداقل خواست های خود نیز نرسیده اند. تلاش ستایش برانگیز خانه پرستار و تحصن آخرین آن، نمونه ای از این مبارزات به شمار می آید. صنف پرستاران در ایران یک نیروی ۱۳۰ هزار نفری را تشکیل می دهد که اگر از تشکل سندیکای مستقل خود برخوردار گردد می تواند به نیروی موثری برای تحقق خواست های پرستاران تبدیل گردد و با اتکاء به همبستگی و مبارزه مشترک با سایر زحمتکشان و کارگران میهن مان گام ها مهمی را در راه بهبود وضعیت اسف بار کنونی بردارد. اما متأسفانه در اثر وجود اختناق و برخوردهای سرکوبگرانه با فعالان صنفی و مخالفت آشکار رژیم با ایجاد تشکل های مستقل صنفی، پرستاران نیز نمی توانند حتی به گفته دبیرکل خانه پرستار حداقل خواست خود را به دست بیاورند. یکی از این حداقل خواست ها، دریافت اضافه حقوقی ناچیز برای پرستاران از محل ۲۰ میلیارد تومان مصوبه اخیر دستگاه های دولتی است. جالب اینجاست که، به گفته معاون اجتماعی سازمان نظام پرستاری با اینکه رسماً اعلام شده، ولی تا به امروز هیچ پرستاری از اضافه حقوق خود از محل ۲۰ میلیارد تومان، حتی ۱ ریال دریافت نکرده است.

خانه پرستار و اعضای شورای عالی سازمان نظام پرستاری در جریان تحصن یک روزه خود، بیانیه ای صادر کردند و ضمن برشمردن نکاتی چند خواست های خود را در ۵ بند به شرح زیر اعلام داشتند.

۱. اختصاص بی قید و شرط بودجه ۲۰ میلیارد تومان در راس یک هفته آینده؛
۲. صدور مجوز برای بکارگیری نیروی پرستاری در مراکز بهداشتی - درمانی؛
۳. اصلاح مجوزهایی که در اثر پیگیری سازمان نظام پرستاری توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی صادر شد؛

۴. لغو خصوصی سازی خدمات پرستاری و لغو قرارداد شرکت ها، بویژه آن دسته از دانشگاه هایی که بخش های ویژه و خانه های بهداشت خود را به بخش خصوصی واگذار کرده اند؛

۵. شروع هر چه سریعتر دوره های بازآموزی برای پرستاران و اجرای قانون که در سال ۷۵ تصویب شده و تاکنون این قانون اجرا نشده است.

خواسته های به حق پرستاران و مخالفت و مبارزه آشکار آنها با سیاست خصوصی سازی بهداشت و درمان می باید از سوی سایر زحمتکشان بویژه طبقه کار مورد حمایت و پشتیبانی قرار بگیرد. حزب ما به نوبه خود ضمن حمایت از این خواست ها با تمامی امکانات خود سعی در جلب حمایت و پشتیبانی داخلی و خارجی از مبارزات پرستاران خواهد کرد.

ادامه همدردی با قربانیان فاجعه ...

ویرانی سواحل ده کشور جنوب شرقی آسیا و آفریقا را در هم کوبید. مناطق ساحلی کشورهای سری لانکا، هندوستان، اندونزی، تایلند و مالدیو از امواج سهمگین ناشی از این زمین لرزه بشدت آسیب دیده اند. ابعاد فاجعه آمیز این زمین لرزه و پیامدهای طبیعی آن (سونامی) هنوز کاملاً مشخص نشده اند ولیکن از هم اکنون باید انتظار داشت که رقم کشته شدگان از ۱۵۰،۰۰۰ فزونی گیرد. به گفته مقامات رسمی سازمان ملل بیش از ۵ میلیون نفر نیازمند کمک های فوری و جدی امدادی هستند و میزان خسارات مالی این فاجعه بالغ بر ۱۳ میلیارد دلار تخمین زده می شود.

سازمان ملل پیش بینی کرده است که جبران این خرابی های سونامی در جنوب شرقی آسیا بیش از ده سال وقت خواهد گرفت. کمک مالی و کالائی مردم کشورهای جهان برای قربانیان این فاجعه بی سابقه و به مراتب چشم گیرتر از کمک دولت های سرمایه داری و از جمله ایالات متحده، انگلستان و اتحادیه اروپا بوده است. در اینکه در ابتدای قرن ۲۱ میلادی و در شرایط موجود بودن پیشرفته ترین سیستم های پیش بینی و اخطار زودرس در رابطه با چنین بلایه های طبیعی ای، چرا می بایست ابعاد تلفات سونامی چنین وسیع باشد، سؤال های متعددی وجود دارد. شواهدی وجود دارد که در صورت استفاده از سیستم های اخطار مدرن موجود وقوع این فاجعه تا دو ساعت و نیم قبل از رسیدن آن به سری لانکا قابل پیش بینی می بود. این مدت کافی برای انتقال بسیاری از ساکنین مناطق ساحلی به مناطق امن تر و نجات آنان از مرگ و جراحات دردناک بود.

سازمان ملل می بایست در رابطه با مطالعه درس های دردناک این تجربه دردناک و نتیجه گیری های ضروری اقدام نماید. کنفرانس جهانی سازمان ملل در رابطه با «کاهش اثرات فاجای طبیعی» که قرار است در نیمه ماه ژانویه در ژاپن برگزار شود، فرصت مناسبی برای این مهم می باشد.

حزب توده ایران ضمن اظهار همدردی عمیق خود با همه قربانیان این فاجعه، همصدا با دیگر نیروهای مردمی جهان خواستار اقدام موثر سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی غیر دولتی نظیر صلیب سرخ در هماهنگی کردن کمک رسانی به موقع به مناطق آسیب دیده می باشد. باید جامعه بین المللی را در رابطه با بازسازی جوامع آسیب دیده بسیج نمود. این تنها برخورد انسانی با عواقب سونامی در جنوب شرق آسیا می باشد.

ادامه صف های طولانی برای دریافت ...

برای کالاهای اساسی که اکثریت مردم از آن استفاده می کنند، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های جامعه و نبود یک سیستم صحیح اقتصادی-اجتماعی کارآمد، منجر به ایجاد همین صف‌های طولانی می گردد.

صندوق بین المللی پول در آخرین گزارش سالیانه خود درباره ایران اکیداً به رهبران رژیم فرمان داده است که برای اجرای سریعتر برنامه اصلاح ساختار اقتصادی در کنار خصوصی سازی و جلب و جذب سرمایه خارجی باید سیستم یارانه به کالاهای اساسی حذف شود. مجلس تحت فرمان ارتجاع نیز با وجود مانورهای موزیانه خود از جمله مصوبه تثبیت قیمت ها و شعارهای توخالی و عوام فریبانه در پی اجرای همین دستور صندوق بین المللی پول است. این مصوبه به هیچ وجه هدفش تامین منافع مردم و به اصطلاح جلوگیری از رشد قیمت‌ها نیست، بلکه اقدامی سیاسی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری بسود اهداف ارتجاع و فلج ساختن کامل دولت خاتمی در آخرین ماه های حیات آن است! از این رو نباید به تبلیغات عناصر فاسدی چون توکلی، مصباحی مقدم و حداد عادل و امثالهم باور داشت.

مدیر کل دفتر تامین اجتماعی سازمان مدیریت و برنامه ریزی در مصاحبه ای باخبرگزاری ایلنا در رابطه با یارانه کالاهای اساسی و اصولاً سیستم یارانه خاطرنشان ساخت: «یارانه کل کشور بالغ بر ۱۹ هزار میلیارد تومان است... متوسط یارانه هر فرد در ماه حدود ۲۵ هزار تومان است، ۲۰ هزار تومان آن یارانه انرژی، هزار تومان یارانه کالاهای اساسی و یک هزار تومان آن یارانه دارو و سایر موارد است.»

وی همچنین اعلام داشت: «۲۵ درصد بودجه کل کشور و ۵۰ درصد بودجه عمومی صرف پیشگیری از گسترش فقر در کشور می شود، در زمان حاضر ۱۰ درصد از ۱۶ میلیون خانوار کشور زیر پوشش سازمان بهزیستی و کمیته امداد خمینی قرار دارند که سرپرست ۵۱ درصد خانواده های فقیر کشور زنان هستند، بعلاوه ۲۰۰ هزار زندانی عادی ایران در سراسر کشور در معرض فقر هستند و خانواده هایشان فقیر.» مطابق یک آمار رسمی و دولتی دیگر که در ۲۲ آذرماه توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شد: ۱۲ میلیون نفر در کشور در فقر مطلق (توجه کنید فقر مطلق) به سر می برند. خبرگزاری ایسنا، ۴ دی ماه با انتشار گزارشی از شاخص های کلان اقتصادی در سال ۸۳ و گزارش اقتصادی سال ۱۳۸۲ از جمله نوشت: نرخ بیکاری از ۹/۸ درصد در سال ۷۵ به ۱۴/۶ درصد در سال ۸۰ افزایش یافته... در سال ۸۲ نرخ تورم ۱۶ درصد (البته آمار دولتی است) بیش از میزان پیش بینی بود و بالاتر از ۱۵ درصد قرار گرفت... این آمار منتشره گویای این واقعیت است که، گسترش فقر ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با سمت گیری اقتصادی اجتماعی کنونی رژیم ولایت فقیه دارد و همه جناح ها با توجه به منافع خاص در مجموع مدافع و مجری آن هستند.

ادامه نگاهی به رویدادهای جهان...

تند و عصبی بین دو کشور را که می توانست به افزایش خطرناک تشنج در این منطقه ختم شود، را باید در این راستا ارزیابی نمود. مذاکرات مثبت بین چین، هندوستان و روسیه در سال ۲۰۰۴ شروعی مثبت و قانونمند در راستای شکل گیری یک وزنه متعادل کننده در مقابل امپریالیسم آمریکا می باشد که در صورت ادامه و توفیق به نفع صلح جهانی است.

سال ۲۰۰۴، سال تشدید مبارزه زحمتکشان با تهدید جدی سرمایه داری انحصاری و نشانگر این واقعیت جدی بود که بر خلاف همه تبلیغات کر کننده امپریالیسم زحمتکشان جهان همچنان معتقدند که جهانی دیگر، جهانی عاری از تبعیض نژادی، جنسی و بی عدالتی دهشتناک طبقاتی ممکن است. مبارزه در این راه بر خلاف همه پیش بینی ها در زمینه «پایان تاریخ» همچنان ادامه دارد و هر روز قشرهای وسیع تری از جوانان و توده های کار و زحمت را به صفوف خود جلب می کند. پیشبرد و جهت دهی به این مبارزه وظیفه یی است که پیش روی همه ترقی خواهان جهان قرار دارد.

آنها گویای محرومیت و بی عدالتی است که از ناحیه رژیم ولایت فقیه و سیاست های مردم ستیزانه آن به جامعه ایران تحمیل شده و می شود. مرد ۳۷ ساله ای به خبرنگار ایسنا می گوید: «کمبود درآمد دلیل اصلی ایستادنم در این صف است، آگاهی اوقات از طریق ایستادن موفق به خریدی کالا بزرگ نمی شوم، کوپنم را به کوپن فروشان می فروشم و یاز تهیه آن منصرف می شوم.» مردی ۵۷ ساله که صورتش از سرما سرخ شده یادآور می گردد: «کارمند بازنشسته هستم و برای خرید کوپن ۵ نفره یک ساعت و ۴۵ دقیقه در صف ایستاده ام و مطمئن نیستم آیا امروز نوبت به منو می رسد یا نه.» یک زن میانسال که ساعت ها در صف ایستاده تاکید می کند: «از خیابان پیروزی آمده ام، خانه دار هستم ولی فرصت انجام هیچ کاری را ندارم. برای دریافت کوپن یارانه مجبور به ایستادن در صف ها هستم... هر روزی که برای دریافت کالابزرگ در صف می ایستم تا دو هفته احساس بدی دارم.» زنی ۶۴ که خود را فرهنگی و دبیر بازنشسته معرفی می کند می گوید: «اینجا سومین باری است که در صف ایستاده ام چرا که دوبار قبلی به من نرسید.» پیرزنی باناراحتی به خبرنگار اشاره می کند: «۶۷ سال دارم و حقوق بازنشستگی هم ندارم، مجبورم برای ۲۵۰ گرم پنیر چند ساعت در صف ایستادم.» نوجوانی دانش آموز کلاس سوم راهنمایی می گوید به خواسته مادرش در صف ایستاده: «امروز سومین روزی است که برای خرید کالابزرگ می آیم، دو روز قبل موفق به تهیه آن نشدم... بعد از ظهر باید مدرسه بروم ولی تا وقتی پنیر کوپنی را نگیرم به کلاس نمی روم.» این ها گوشه ای از وضعیت تلخ و دردناک حاکم بر زندگی میلیون ها انسان محروم میهن ماست! معاون وزیر بازرگانی اعلام داشته است که برای آنکه از تشکیل صف های طولی، که منظره شهر بویژه پایتخت را فقیرانه نشان می دهد، جلوگیری گردد فروشگاه های بزرگ زنجیره ای مانند رفاه، شهروند و کوروش (قدس) وارد چرخه توزیع کالابزرگ می شوند. اما باید گفت حتی اگر با این کار صف های طولانی به چشم نیایند آیا در محتوی وجود فقر و ضرورت کالابزرگ های یارانه ای برای مواد غذایی تغییری حاصل می شود؟!

بنا به گفته مسئولان وزارت بازرگانی بیش از ۲ میلیون واحد صنفی در سراسر کشور به این امر یعنی توزیع کالابزرگ و اجناس آن اختصاص دارد. فقط در سطح شهر تهران ۳۰ هزار واحد صنفی عرضه کالابزرگ و اجناس یارانه ای نظیر تخم مرغ، پنیر، کره، شکر و مرغ و جزاینها را برعهده دارند و جالب اینجاست همین مسئولین از تخلفات وسیع در این زمینه و در میان ۲ میلیون واحد صنفی سخن می گویند. به بیان دیگر تجار بازار نبض توزیع کوپن (کالابزرگ) را به چنگ آورده اند و هر گاه بخواهند بنا به وضعیت و میزان تقاضا، اجناس را وارد بازار و یا بازار سیاه می کنند. یک کارمند بازنشسته، یک دبیر و آموزگار کم درآمد، یک پرستار با حقوق پایین و کارگران بسیار محروم که حتی حقوق ناچیز خود را به موقع دریافت نمی کنند باید ساعتها و حتی روزها متوالی در سرما و گرما در صف بایستند تا مثلاً ۲۵۰ گرم پنیر و یا کره برای خانواده خود تهیه کنند ولی یک تاجر زالوصفت دست در دست مافیای قدرت یعنی فرماندهان سپاه و آقا زاده ها فقط بایک تماس تلفنی و بی هیچ زحمتی میلیون ها تومان در فاصله چند دقیقه به جیب می زند!

نکته مهم و کلیدی اینست که همین تجار ثروتمند، با کمک نمایندگان سیاسی خود که کرسی های مجلس هفتم را اشغال نموده اند، عامل اصلی وضعیت وخیم کنونی و گسترش فقر در ابعاد بی سابقه در کشور هستند. برنامه احتمالی مجلس برای حذف سیستم یارانه ای

جهان در سالی که گذشت:

سال ۲۰۰۴ - سال گسترش مبارزه خلق‌ها برای صلح و عدالت اجتماعی

ارزیابی سازمان ملل، در گزارشی که در دسامبر ۲۰۰۴، منتشر شد اینست که: «جهان در آغاز قرن بیست و یکم نه تنها امن تر نیست بلکه بر اثر وحشت و جنگ بیشتر دچار شکاف و جدایی شده است و سیاست غالب بر آن سیاست جنگ افروزی شده است.» ۲۰۰۴ را باید از سونی سالی دانست که رهبران عمده ترین کشورهای سرمایه داری آگاهانه با سازماندهی و برنامه ریزی، با مانورهای حساب شده و با هجومی برنامه ریزی شده، سعی به بازپس گرفتن دستاوردهای بشریت و گستراندن کنترل بلا منازع خود بر بازارها و منابع اولیه جهان و به ویژه اروپای مرکزی و اروپای شرقی کردند. در اول ماه مه ۸ کشور سوسیالیستی سابق به اتحادیه اروپا، باشگاه سرمایه داری نوبلیرال اروپا پیوستند تا به قیمت حراج استقلال ملی یکی از بزرگترین بلوک های اقتصادی - سیاسی جهان سرمایه را به وجود آورند. در سال گذشته ایالات متحده بطور سیستماتیک برنامه خود برای تحکیم موقعیت این کشور به مثابه نیروی مسلط بر جهانی یک قطبی را به پیش برد. هدف واشنگتن «تسلط همه جانبه» بر پایه بهره گیری از نیروی نظامی و در چهارچوب پروژه تبدیل قرن بیست و یکم به «قرن جدید آمریکایی» می باشد. مطرح شدن برنامه «گسترش دموکراسی در خاورمیانه بزرگ» که اولین بار در کنفرانس امنیتی ناتو در ماه فوریه در شهر مونیخ آلمان مورد بررسی و تأیید طراحان سیاست خارجی و نظامی کشورهای سرمایه داری قرار گرفت و سپس در ماه ژوئن در اجلاس «گروه ۸» در ایالات متحده به تصویب رسید و نهایتاً در کنفرانس سران پیمان نظامی ناتو در ماه ژوئن به مثابه سیاست واحد جهان سرمایه برای کنترل این منطقه استراتژیک و با اهمیت مورد تأیید قرار گرفت، را باید در این راستا ارزیابی کرد.

تحولات سال ۲۰۰۴ همچنین نشان داد که قدرت نظامی تنها شیوه تحمیل اراده «وال استریت» و سرمایه داری نوبلیرال نمی باشد. در طرح های امپریالیسم ساختارهایی نظیر «اعانه ملی برای دموکراسی» که آزادانه در کشورهایی که مورد هدف ایالات متحده برای استقرار «دموکراسی» از نوع موردنظر «جورج بوش» و کاخ سفید می باشند، عمل می کنند، نقش اساسی دارند. هدف گسترش عدم ثبات سیاسی و نهایتاً کنترل سیاست های کلان اقتصادی - سیاسی این کشورها می باشد. کوبا و ونزوئلا در سال گذشته هدف چنین عملکردی بودند. این سازمان با فراهم کردن منابع عظیم مالی برای نیروهای ارتجاعی و فاسد سعی به ایجاد سازمان های ضدانقلابی وسیع و توده ای به منظور تدارک «انقلاب های مخملی» و یا حمایت از شورش های کودتا گونه دارد. ونزوئلا در سال گذشته در جریان کارزار نیروهای راستگرا برای برکناری «هوگو چاوز» از ریاست جمهوری این کشور از طریق «رفراندوم» صحنه آشکار عملکرد سازمان «اعانه ملی برای دموکراسی» به نیابت از سوی کاخ سفید بود. البته درایت نیروهای مردمی و بسیج و سازماندهی زحمتکشان در نهایت در جریان رفراندوم ماه اوت ۲۰۰۴ به شکست ارتجاع انجامید. سازمان «اعانه ملی برای دموکراسی» قبلاً نیز با کمک مالی بی دریغ به تعدادی ساختار های ضد «هوگو چاوز» و همچنین تامین مالی جناح «مرکز همبستگی» سازمان سندیکایی «آ.آ.آ. سی. آی. ا.» آمریکایی در تشویق اتحادیه های دست راستی مانند «کنفدراسیون کارگران ونزوئلا» کرد که از کودتای ۲۰۰۲ در این کشور حمایت کرد و متعاقب شکست کودتا سعی نمود با تدارک اعتصاب در صنعت نفت و صنایع کلیدی در چهارچوب برنامه های الیگارشی مالی ونزوئلا، اقتصاد کشور را فلج کند. زحمتکشان در تمامی کشورها برای قرن ها در طلب حاکمیت ملی و مردمی و دموکراسی ملی مبارزه کرده اند و جالب اینکه طرف مقابل مبارزه آنان همیشه طبقه سرمایه دار، نیروهای ثروتمند و قدرتمند بوده اند. اینکه اکنون نمایندگان سیاسی عمده ترین انحصارهای سرمایه داری از طرفی سعی به «بازتعریف»

در اولین روزهای سال ۲۰۰۵ میلادی نظری اجمالی به رخدادهای سال گذشته در جهان، به درک روند تحولات و به اتخاذ تاکتیک ها و استراتژی صحیح مبارزاتی از سوی نیروهای ترقی خواه یاری می کند. تحولات عمده سال ۲۰۰۴ به بهترین وجهی نمودار شرایط مبارزه ای است که زحمتکشان جهان درگیر آن هستند و فرصت ها و خطراتی که در مسیر آن ها قرار دارد را روشن می سازد. کشورهای بزرگ سرمایه داری، و در راس آن ها ایالات متحده، در سال گذشته در حالی که در بحران اقتصادی عمیق دست و پا می زدند، مشخصه های ذاتی خود از جمله جنگ طلبی و نظامی گری، در تهاجم به حقوق دموکراتیک خلق ها، و علاقه به تشدید استثمار به نمایش گذارند. ادامه اشغال غیرقانونی در عراق، تهاجم همه جانبه دولت اسرائیل به مردم فلسطین، گسترش دامنه جنگ، بیماری ایدز و کودتا در کشورهای آفریقا، تهدید علنی کوبای سوسیالیستی، و تشدید روند «جهانی شدن» سرمایه داری همه شواهدی نیرومندی ازین مشخصه ها است.

در سال ۲۰۰۴ جهان شاهد این حقیقت بود که با وجود ادعاهای متفاوت چگونه «اتحاد نامقدس» سیاست گذاران کشورهای سرمایه داری، رژیم های ارتجاعی و دیکتاتوری های جبار حاکم در کشورهای در حال رشد، بانکداران و سرمایه دارانی که از طریق سرمایه های افسانه ای خود در صدد کنترل اقتصاد جهان هستند، و صاحبان اصلی رسانه های جمعی جهان، در جهت ابدی کردن حکومت سرمایه و مقدس جلوه دادن آن عمل کرد. نکته قابل توجه دیگر در سال گذشته این بود که نشانه های پرقدرتی از توان خلق ها برای مقاومت و بدست گرفتن ابتکار عمل برای مقابله با تهاجم بی سابقه امپریالیسم به دستاوردهای بشری در قرن بیستم، تحت بهانه «جنگ با تروریسم» ظاهر شد. افشای عقیم بودن سرمایه داری در غلبه بر مشکلات و ناهنجاری های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و محیط زیست و ارائه راه حل های پایدار و عملی برای آن ها در سال گذشته بازهم صفوف وسیعتری از مردم و زحمتکشان را زیر پرچم مبارزه «جهان دیگری ممکن است» گرد آورد. در هندوستان، ونزوئلا و اوروگوئه خلق ها و نیروهای مردمی در سال ۲۰۰۴ با ارائه آلترناتیو های ترقی خواهانه، پیروزی های انتخاباتی چشمگیری را کسب کرده و محدودیت های امپریالیسم را به نمایش گذارند. کوبای انقلابی با اتخاذ سیاست های مبتکرانه و مبتنی بر جلب حمایت وسیع ترین طیف نیروهای بین المللی به مبارزه خود برای حفظ سیستم سوسیالیستی و گسترش دستاوردهای آن ادامه داد. در سال ۲۰۰۴ مردم جهان با حیرت به نتایج درخشان اقتصادی ویتنام سوسیالیستی و چین که در تحت رهبری احزاب کمونیست به ساختمان سوسیالیسم در شرایط ویژه بومی و بین المللی ممکن شده است، نظاره داشتند.

میوه های تلخ تسلط سرمایه داری!

سال گذشته عراق، افغانستان، هائیتی، کنگو، سودان، سواحل عاج در آتش مهیب جنگ، مداخله خارجی و اشغال می سوختند. رسانه های خبری صحنه های دلخراش جنگ، شکنجه و فقر را مخابره کردند. سازمان ملل در آخرین ماه سال فاش کرد که کشورهای جهان در مجموع تقریباً یک تریلیون دلار (هزار میلیارد دلار) صرف هزینه های تسلیحاتی می کنند و «این رقم بسیار بیشتر از مقدار بودجه ای است که قادر به حل معضل فقر است، که در حدود ۴۰ تا ۷۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود.»

ادامه جهان در سالی که گذشت ...

دموکراسی و عملکرد دموکراتیک و از طرف دیگر توجیه سیاست های سرکوبگرانه، خونریزانه و تسلط جویانه خود در پوشش شعار دروغین «گسترش دموکراسی» که در حقیقت اسم رمز «گسترش حکومت بازار» می باشد، تصادفی نیست. برای سران سرمایه داری «دموکراسی» فقط یک کلمه است، یک ابزار سیاسی، یک وسیله حفاظت از ثروت ها و نفوذشان و ترجیحاً افزایش و گسترش آن. عملکرد دولت های سرمایه داری در ساقط کردن حکومت های ملی نظیر دولت مصدق در ۱۹۵۳ و دولت آلنده در ۱۹۷۳ و دولت مترقی موریس بیشاپ در گرانا در ۱۹۸۱ و حکومت ترقی خواهان در افغانستان در دهه ۱۹۸۰، توطئه آن ها برای ساقط کردن کشور های سوسیالیستی و حمایت آنان از دولت آریل شارون در سرکوب جنایتکارانه مردم فلسطین و رژیم های کودتاجی پرویز مشرف در پاکستان و سوهارتو در اندونزی، آگوستو پینوشه در شیلی و نمایشگر عیار واقعی «دموکراسی» مورد نظر امپریالیسم است.

«جهانی دیگر» ممکن است!

سال گذشته سال تشدید و گسترش مبارزه نیروهای طرفدار صلح و پیشرفت بر ضد سیاست رشد نظامی گری و «جهانی شدن» سرمایه داری بود. از نمایش قدرتمند مخالفان سرمایه داری نولیبرال در مومبای (بمبئی) در هندوستان، تا اجلاس «فوروم اجتماعی اروپا» در نوامبر در لندن طرفداران آلترناتیو ترقی خواهی و صلح به همفکری و برنامه ریزی برای سازماندهی مبارزه ای وسیع در مقیاس جهانی پرداختند. در ژانویه چهارمین کنفرانس اجتماعی جهانی با شرکت یک صد هزار نفر از ۱۳۰ کشور جهان برگزار شد. بحث های اجلاس عمدتاً روی مساله تغذیه و حقوق مربوط به آن و نیز مبارزه بر ضد نظامی گری و موضوع تبعیض ها متمرکز بود. نظامی گری و صلح وسیعاً مورد گفتگو قرار گرفت. از جنبه های مهم اجلاس های اجتماعی جهانی باید به نقش فعال احزاب کمونیست - کارگری که اکنون به واحدی قدرتمند و برنامه ریز برای این مبارزه با شکوه بدل شده اند، اشاره کرد.

دستگاه عظیم تبلیغاتی سرمایه داری سعی دارد زحمتکشان را به این متقاعد کند که که از نیروهای سیاسی و دولت هایی حمایت کنند که باور خود به هر گونه مداخله ای در اداره اقتصادی کشور از طریق مالکیت عمومی را کنار گذاشته باشند و نقش خود را منحصرأ امضاء قرارداد با شرکت های خصوصی برای سازماندهی و ارائه خدمات اجتماعی بدانند. این برخورد نولیبرالی همان مدلی است که ساختار های مالی بین المللی نظیر «صندوق بین المللی پول»، «بانک جهانی» و «سازمان تجارت جهانی» و قدرت های امپریالیستی از آن حمایت می کنند. در سال ۲۰۰۴ کوبا، ویتنام، چین و جمهوری کره دموکراتیک، کشورهایی که ساختمان سوسیالیسم را در دستور کار خود قرار داده اند، در شرایط دشوار بین المللی به تلاش های خود ادامه داده و پیروزی های مهمی را به دست آوردند. سیاست پیگیر و همه جانبه حزب کونیست کوبا در گسترش دموکراسی خلقی و دستاوردهای سوسیالیسم در عمل تهاجم امپریالیسم را به شکست کشانده است. موفقیت کارزار همبستگی با کوبا در سطح جهان آنگونه است که سیاست امپریالیسم آمریکا در قبال کوبا شدیداً منزوی شده است و حتی دیگر کشورهای سرمایه داری از آن فاصله می گیرند.

در سال ۲۰۰۴ مردم ویتنام پنجاهمین سالگرد آزادی هانوی و شصتیمین سالگرد تشکیل ارتش مردمی ویتنام را جشن گرفتند. دستاوردهای مردم قهرمان ویتنام، که سه ماه دیگر سی مین سالگرد شکست نظامی امپریالیسم آمریکا را جشن خواهند گرفت، در ساختمان یک کشور مدرن و مستقل و اقتصادی شکوفا در شرایط دشوار کنونی در تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام، در کارنامه ۴ ساله برنامه توسعه اجتماعی - اقتصادی ۲۰۰۵ - ۲۰۰۱ منعکس است. در گزارش دولت ویتنام که در سپتامبر منتشر شد مشخصه

های یک اقتصاد ملی با رشد نسبتاً بالا و پایدار از قبیل نرخ ۷/۲ درصدی متوسط تولید ناخالص ملی، رشد ۱۵/۲ درصدی صنعت، رشد ۷/۲ درصدی بخش خدمات و رشد متوسط ۱۳/۶ درصدی صادرات تصویر شده است. مهم ترین هدف برنامه ای ویتنام در سال ۲۰۰۵ حصول نرخ رشد ۸ الی ۸/۵ درصدی تولید ناخالص ملی است. در روز ۲۴ دسامبر وزارت تجارت ویتنام اعلام کرد که میزان صادرات ویتنام در ماه دسامبر از ۲/۴ میلیارد فزونی یافته است. این امر به معنی آنست که صادرات ویتنام در سال ۲۰۰۴ بالغ بر ۲۶ میلیارد دلار بوده است که نسبت به سال قبل از آن رشدی ۲۹ درصدی را نشان می دهد. صادرات محصولات ساخته شده از چوب و دوچرخه، با رشدهایی بین ۶۰ تا ۸۷ درصد نسبت به سال قبل از آن، در سال گذشته برای اولین بار از مرز یک میلیارد دلار گذشته است.

به موازات دستاوردهای اقتصادی ویتنام که در چهارچوب سیاست های محوری حزب کمونیست و بر پایه یک برنامه دقیق و حساب شده برای تثبیت موقعیت بین المللی ویتنام حاصل شده اند، دولت ویتنام ابتکارات وسیعی را برای بهبود وضعیت معیشتی مردم، کاهش تفاوت بین شهر و روستا و بهره مندی توده های وسیع مردم از دستاوردهای انقلاب انفورماتیک و تکنولوژی مدرن سازمان داده است.

در همسایگی ویتنام، ساختمان یک جامعه مدرن و خودکفا که در راستای سوسیالیسم حرکت می کند در چین، پر جمعیت ترین کشور جهان، ادامه یافت. تحلیل گران سرمایه داری که از یک دهه پیش هر لحظه منتظر توقف رشد اقتصادی چشمگیر و پیگیر این کشور بوده اند، اکنون اذعان می کنند که پیشروی سیستم اقتصادی - اجتماعی چین پایه در ساختار سیاسی این کشور دارد. در سال گذشته ایالات متحده با سراسیمگی سعی در اتخاذ سیاست هایی برای محدود کردن رشد مقبولیت بین المللی چین نمود. سران ایالات متحده با اشاره به چین به مثابه «رقیب استراتژیک» و اینکه این کشور از نظر تجاری به قدرت دوم جهان پس از آمریکا بدل شده است، سعی دارند، با اتخاذ سیاست هایی از قبیل کنترل منابع نفتی، بصورتی امکان اعمال نفوذ بر این گول اقتصادی شرق آسیا را بدست بیاورند. در روز ۳۰ دسامبر روزنامه «تایمز مالی» (فایننشال تایمز) در سرمقاله های خود که به امر تحلیل موقعیت چین در اقتصاد جهان اختصاص داشت اذعان کرد که «صعود اقتصادی چین تازه شروع شده است». تایمز مالی نهایتاً تأیید می کند که دولت چین با سیاست گذاری مدبرانه توانسته است که مانع رشد بحران های معمول بدلیل رشد سریع و ویژه اقتصادی بشود. سرمقاله این روزنامه که بیانگر جمع بندی تحلیل گران عمده جهان سرمایه داری است اضافه می کند: «نتایج اکنون کاملاً واضح هستند... از ۱۹۷۹ تاکنون چین توانسته است که جهان را فتح کند، آن هم نه توسط ارتش و نیروهای نظامی خود، بلکه با کارخانه هایش». سرمقاله آنگاه به وحشتی که رشد سالانه توقف ناپذیر ۹ درصدی چین و ظهور این کشور در مقام یک قدرت عظیم تجاری در کشورهای سرمایه داری ایجاد کرده است، سخن می گوید. چین عملاً کشورهای موسوم به «ببرهای آسیایی» در جنوب شرقی آسیا را در سایه گذاشته است. در سال ۲۰۰۴ هر هفته بطور متوسط یک میلیارد سرمایه به چین وارد شد. تصمیم گیری های دولت چین اکنون بطور مستقیم و محسوسی بازار نفت، مواد اولیه، بازار سهام و ارز در سراسر جهان را مورد تأثیر قرار می دهد. میزان تجارت متقابل سالانه آن با بقیه جهان بالاتر از ۱۰۰۰ میلیارد دلار می باشد، و ذخیره ارزی این کشور ۵۲۴ میلیارد دلار است.

این حقیقتی است که قدرت اقتصادی فزاینده چین، در کنار جمعیت ۱/۳ میلیاردی آن و موقعیت ویژه آن در آسیا، این کشور را به یک قدرت استراتژیک بدل کرده است. کشورهای سرمایه داری اکنون قادر به چشم پوشیدن بر نظرات و مواضع چین در صحنه بین المللی نیستند. تحرک کم سابقه و فعالیت های دیپلماتیک چین در خاورمیانه، آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین در سال ۲۰۰۴ را باید انعکاسی از این وضعیت دانست. میانجی گری موثر چین در جریان تنش های بین ایالات متحده و کره شمالی و جلوگیری از برخورد های

ادامه «بازار شام» مبارزات انتخاباتی ...

ولایت» با علم به انزجار مردم از نامزدهای احتمالی آنان، یعنی کسانی مانند لاریجانی، ولایتی، احمدی نژاد، رضایی در یافتن نامزد مشترک با دشواری های زیادی رو به رو هستند. در این میان بازی زیر کانه گروه های وابسته به هاشمی رفسنجانی، از کلیدی ترین رهبران رژیم استبداد، قابل تأمل و توجه است. رفسنجانی که هنوز تجربه شکست مفتضحانه انتخابات مجلس ششم را فراموش نکرده است مترصد است تا شرایطی را فراهم آورد که به عنوان «ناجی» امتحان داده رژیم با توافق کلی مجموعه ای از جناح ها دوباره به میدان آمده و در «انتخابات» احتمالی آینده که باید تصور کرد بر اساس نمونه «انتخابات» مجلس هفتم سازمان دهی خواهد شد سکان ریاست جمهوری را به دست بگیرد. در این زمینه سخنان عطار زاده به اندازه کافی گویا و روشن است. او درباره رفسنجانی و نقش او می گوید: «هاشمی یک نیروی اصولگرا و از رهبران ملت است و اصولگرایان از وی به عنوان کسی که مشی ما را قبول دارد، حمایت می کنند اما به اعتقاد بنده هاشمی خود خواهان حضور نیروهای جوان و تازه نفس است تا بتوانند با تغییری ساختاری، حرف تازه ای برای گفتن داشته باشد... در صورت شکل گرفتن یک اتحاد در جبهه پیروان خط امام و رهبری، فراکسیون اصولگرایان، جامعه روحانیت مبارز و شورای هماهنگی نیروهای انقلاب نامزدی هاشمی رفسنجانی، امری مبارک است... در حال هاشمی رفسنجانی همانگونه که رهبر معظم انقلاب در انتخابات دوم خرداد ۷۶ فرمودند؛ مثل و ماندنی ندارد ولی انتظار نیروهای انقلاب که علاقمند قلبی به وجود آقای هاشمی هستند، این است که ایشان با تدبیر و مدیریت قوی که از او انتظار می رود با پدیده انتخابات برخورد مناسبی داشته باشد.»

در میان ارزیابی های ارائه شده درباره نقش و وضعیت هاشمی رفسنجانی سخنان سعیدی، مسؤول واحد سیاسی جامعه روحانیت مبارز، جالب و قابل تأمل است. سعیدی ضمن اشاره به اختلافات پیش آمده بین جبهه مشارکت و مجمع روحانیون مبارزه، با اعلام نامزدی کروبی و معین و اشاره به این موضوع که تلاش هایی نیز وجود دارد که عارف را به عنوان نامزد مشترک مشارکت و مجمع معرفی کنند درباره نظر جامعه روحانیت مبارزه درباره تعیین نامزد مشترک می گوید: «اصولگرایان در حرکت های خود دارای منطبق هستند زیرا مصالح نظام را بالاتر از اختلافات موردی می دانند و دست یابی به اهداف بلندمرتبه ای که مصالح عالی نظام را تأمین کند، استراتژی آنهاست. ممکن است در حال حاضر، دورنمای مبهمی در نوع چیدمان کاندیدای اصولگرایان به خصوص در جمع بین هاشمی رفسنجانی با دیگر کاندیداهای اصول گرایان، وجود داشته باشد، اما در نهایت، درایت آقای هاشمی و درک وی از شرایط اجتماعی، به سمتی خواهد رفت که مصالح عالی نظام و وحدت جناح اصولگرا تأمین و تضمین شود به ویژه آنکه آقای هاشمی همیشه از وفاق سخن گفته اند و امروز ایجاد این وفاق در دو جناح کار بسیار مشکلی شده است.» به اعتقاد سعیدی با حضور معین و کروبی وفاق دو جناح روی هاشمی در حال به حداقل رسیدن است البته به گفته سعیدی رفسنجانی این مسأله را نیز برای خود حل کرده است و گفته است «هر چه نخبگان بخواهند»

رضا خاتمی، دبیر کل جبهه مشارکت در ارزیابی این جبهه از انتخابات آینده و برخورد های گروه های مختلف «ذوب در ولایت» به نکته جالبی اشاره می کند و آن این است که: «ما در میان محافظه کاران دو گروه داریم که در یک اصل مشترک هستند و آن حفظ قدرت به هر قیمتی است. اما این دو گروه حداقل یکی تجربه ای در حکومت دارد و سازوکارهای آن را تا حدودی می فهمد. گروه دیگر همان عده ای

هستند که امام روزی فرمود اگر یک نانواپی را به آنها بدهند نمی توانند اداره کنند. امروز این گروه حاکم شده است و می خواهد کشور را اداره کند. نتیجه حاکمیت اینها غیر از همین که می بینیم نیست و چون در اداره کشور شکست می خورند تلاش می کنند همه فعالیت های دیگران را هم تخریب کنند. مثل برخوردی که با دولت می کنند و تلاش می کنند تا درون خودشان هم به تسویه دست بزنند و خود حاکم علی الاطلاق شوند. آنچه در زمینه برخورد های نهادهای در اختیار محافظه کاران با همدیگر اتفاق می افتد ریشه در این نکته دارد. خوشبختانه و متأسفانه آنقدر هم از یکدیگر نقطه ضعف دارند که می توانند همدیگر را بکوبند؛ اما پیشبینی من این است که در نهایت روی هم را خواهند بوسید و همه چیز به فراموشی سپرده خواهد شد. قوه قضاییه، طرف مقابل را عصاره فضایل ملت خواهد خواند و آنها هم قوه قضاییه را کاخی رفیع که بر ویرانه های قوه قضاییه جناب آقای یزدی بنا شده است معرفی خواهند کرد.»

نکته قابل توجه دیگر در این کشمکش های انتخاباتی به میدان آمدن مهدی کروبی کارگزار رژیم ولایت فقیه، به عنوان نامزد انتخاباتی مجمع روحانیون مبارز در مقابل معین، عنوان نامزد انتخاباتی جبهه مشارکت، و بخش های عمده ای از ائتلاف جبهه دوم خرداد است. خاتمی در این باره می گوید: «به نظر ما دکتر معین شانس اول انتخابات ریاست جمهوری آینده است. در همین وضع فعلی، وی رقیب اصلی همه کاندیداهایی است که از جناح مقابل خواهند آمد؛ این را نظر سنجی هایی می گویند که قبل از اعلام کاندیداتوری او صورت گرفته است. در میان همه کاندیداهای، دکتر معین کمترین آرای منفی را دارد و بیشترین ظرفیت را برای معرفی به مردم داراست؛ بنابراین پتانسیل کار برای دکتر معین هم از همه بیشتر است؛ بی دلیل نیست که از همین الان جناح محافظه کار و متأسفانه بخشی از جناح اصلاحات، روی به تخریب آورده اند.» سپس با انتقاد از موضع گیری ها موسوی بجنوردی، از نمایندگان مجمع روحانیون مبارز، اضافه می کند: «جناب آقای موسوی بجنوردی عزیز هستند ولی خود ایشان می دانند موضع ما چیست؛ ما هم می دانیم موضع ایشان و اکثریت عزیزان مجمع روحانیون و سایر گروه های اصلاح طلب چیست و طبعاً امر تبلیغاتی با واقع امر متفاوت است. ما برای رسیدن به کاندیدای مطلوب خود چند شرط داشته ایم که همه در دکتر معین جمع بوده است. و بنابراین لزومی نمی بینیم از غیر از کاندیدای خود حمایت کنیم. شانس دکتر معین برای اجماع هم بیش از بقیه است اما من می خواهم خدمت بعضی دوستان عرض کنم اینگونه صحبت کردن از موضع مشارکت چندان مناسب نیست امروز هرکس از قول مشارکت حرفی میزند و اظهار نظر می کند که البته مشخص است جنبه های تبلیغاتی دارد اما اگر به کنه ماجرا دقت کنیم سوء تبلیغ برای خودشان است...»

و اما نکته اساسی این است که با توجه به تدارکاتی که ارتجاعیون حاکم برای برگزاری «انتخابات» آینده دیده اند به نظر می رسد که روند انتخابات مجلس هفتم با تفاوت های ناچیزی تکرار خواهد شد و در انتها این شورای نگهبان ارتجاع خواهد بود که با حذف نامزدهای انتخاباتی «مزاحم» شرایط را برای روی کار آمدن «سردار سازندگی» و یا دیگر کارگزاران ارتجاع فراهم کند. بدیهی است که چنین نمایشی نمی تواند روندی قابل قبول برای مردم ما و نیروهای سیاسی معتقد به آزادی در کشور ما باشد. کارنامه سیاه مجلس فرمایشی هفتم و شمار کثیر مزدورانی که بر کرسی های آن تکیه زده اند از هم اکنون نشانگر وضعیت دولت آینده و رئیس جمهور آتی آن نیز می باشد. تجربه هشت سال گذشته به روشنی نشان داده است که با ابزار و راه کارهای ارتجاع نمی توان روند اصلاحات در میهن ما را به پیش برد. بسیج نیروهای مردمی و مخالفت و سازمان یافته توده ای با برنامه های ارتجاع یگانه راه مقابله موثر با رژیم استبدادی حاکم و کارگزاران رنگارنگ آن است. این امر نیز بدون حرکت مشترک نیروهای آزادی خواه و مردمی و شرکت فعالانه نیروهای اجتماعی همچون کارگران و زحمتکشان، جوانان و دانشجویان و زنان دلاور میهن ما مسیر نخواهد بود.

جنبش کارگری - سندیکایی و چند چالش مهم

به موازات رشد و گسترش مبارزات طبقه کارگر و سایر زحمتکشان برای دست یابی به حقوق صنفی - رفاهی و نیز سیاسی خود، اهمیت ایجاد تشکل های مستقل و احیاء حقوق سندیکایی به نحوی بارز خودنمایی می کند. اکنون فعل و انفعالات گسترده ای همزمان با تشدید مبارزات زحمتکشان با وجود پراکندگی آن در محیط های کارگری و در میان فعالان و مبارزان جنبش سندیکایی پدید آمده و رشد می یابد. همین مساله یک رشته وظایف مبرم را فراروی مبارزان سندیکایی و اصولاً همه پیکارگران راه و آرمان های طبقه کارگر قرار می دهد که نمی توان بسادگی از آن گذشت. طی هفته های اخیر، مبارزات اعتراضی کارگران و زحمتکشان گسترش چشمگیری داشت.

اعتراض کارگران صنعت آب و برق، اعتصاب بیش از ۵ هفته ای کارگران واحد صنعتی آوانگان واقع در اراک و کارگران رامشیر، اعتصاب و تحصن کارگران صنایع نخ نمای شهرستان خمین، اعتصاب کارگران لوله و نورد اهواز، کارگران بنادر بوشهر و نیز اعتراضات کارگران قراردادی شهرداری اهواز و آبادان و همچنین کارگران قراردادی بخشی از پروژه های مهم نفت و گاز پارس جنوبی و منطقه عسلویه در استان بوشهر و تعداد قابل توجه دیگری از سایر رشته ها و صنایع!

همچنانکه اشاره کردیم، گرچه این جنبش اعتراضی پراکنده و سطح سازماندهی آن ضعیف است، ولی به نوبه خود باعث هراس و نگرانی ارتجاع نیز هست. این اعتراضات و عدم کامیابی اکثریت آنها، امروزه پرسش مهمی را برای کارگران که از هرسو مورد پورش ارتجاع قرار دارند، مطرح ساخته است. در پاسخ به این پرسش مهم و کلیدی است که ضرورت ایجاد تشکل های مستقل کارگری - سندیکایی و احیاء حقوق سندیکایی زحمتکشان طرح شده، و تلاش و تکاپو برای عملی نمودن آن صورت می پذیرد.

موضعگیری اخیر نمایندگان سازمان بین المللی کار ILO، همانگونه که باواکنش مثبت جریانات زرد و ارتجاعی نظیر خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار مواجه شد، انتقاد، ناراحتی و خشم و اعتراض فعالان مستقل سندیکایی و اکثریت کارگران کشور را برانگیخت. در مهرماه گذشته، آقای تاپیولا نماینده ارشد ILO در سفری که به تهران داشت، پس از بحث و گفتگوهای مفصل با سران خانه کارگر، شوراهای اسلامی کار و تنی چند از مسئولان بلند پایه وزارت کار و امور اجتماعی اعلام داشت: «تشکیلات کارگری در ایران و در راستای مفاد مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ باید تقویت و حمایت شوند، بدون اینکه حمایت های فعلی کاهش یابد و نیز باید تحلیلی از مشکلات و موانع موجود در راه فعالیت تشکل های کارگری ارایه داد و همچنین به استقلال تشکل ها توجه شود. . .»!

تا پیش از این تاکید بر این مساله بود که قانون شوراهای اسلامی کار که در اصل ششم قانون کار آمده است، ناقض حقوق سندیکایی و تشکل های مستقل است و بنابراین می باید به سود ایجاد سندیکاهای واقعی تغییر نماید. اما اکنون خانه کارگر و قانون عالی شوراهای اسلامی کار در تلاش برای معرفی خود به عنوان تشکل های مستقل کارگری گستاخ تراز پیش اقدام خواهند کرد. خانه کارگر برای آنکه خود را بعنوان تشکل مستقل صنفی و کارگران و

زحمتکشان ایران معرفی کند از هیچ اقدام و مانور ریاکارانه ای کوتاهی نکرده و نمی کند. روابط روبه گسترش خانه کارگر با کنفدراسیون آزاد کارگری (ICFTO) که یک تشکل زرد بین المللی است و اکنون نقش معینی را در سطح بین المللی در راستای سیاستهای مبتنی بر جهانی سازی دنبال می کند از آن جمله است. بعلاوه در سال های گذشته خانه کارگر تماس هایی نیز با برخی موسسه های خارجی مانند موسسه آلمانی فردریش ایبرت برقرار کرده بود، دبیر کل خانه کارگر چند سال پیش در دیدار با مسئولان این موسسه گفته بود خانه کارگر اکنون دیگر یک تشکل مستقل صنفی و اتحادیه ای است. در این راستا، اکنون نیز خانه کارگر و باید واضح تر بگوئیم رژیم در صدد هستند با توجه به شرایط حاکم بر ایران و منطقه تشکل های ارتجاعی نظیر شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر را نمایندگان واقعی زحمتکشان و به مثابه سازمان های مستقل صنفی آنها معرفی سازند. چندی پیش در جریان برگزاری پنجمین همایش ملی کار، قطعنامه ای در بیست بند تنظیم و تصویب شد که حاوی نظر رسمی رژیم مبنی بر الحاق ایران به مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ سازمان بین المللی کار است، کوشش این است که به سازمان بین المللی کار ILO، شوراهای اسلامی و خانه کارگر با اندک تغییراتی و حتی سندیکاهایی فرمایشی بعنوان سندیکای واقعی معرفی شوند. در این خصوص اکنون طرحی توسط وزارت کار در حال تهیه و تنظیم است که طبق آن سندیکاهای اجازه فعالیت خواهند یافت اما تایید صلاحیت نامزدهای کارگر و مسئولان سندیکا از سوی وزارت کار خواهد بود و بدون این تایید هیچ فردی نمی تواند در ترکیب هیات مدیره و ارگان های اجرایی سندیکا انتخاب و یا تعیین شود. به این ترتیب سندیکاهایی که ممکن است اینگونه تشکیل شوند از هم اکنون مژده دولتی بودن و غیرمستقل بر پیشانی خود دارند. البته این روش سابقاً در دوران شاه نیز به اشکال گوناگون در مورد تشکل های کارگری اعمال می شد و ادامه آن توسط رژیم ولایت فقیه تازگی ندارد. جالب اینجاست همین طرح نیم بند زیر فشار نمایندگان سرمایه داری تجاری و بوروکراتیک ایران مسکوت مانده و معلوم نیست چه زمانی به اجرا گذاشته شود.

سخنان اخیر علیرضا محجوب دبیر کل خانه کارگر که در خبرگزاری کار ایران - ایلنا - به تاریخ ۵ دی ماه امسال انتشار یافت، ناظر بر همین موضوع است. محجوب اعلام داشت: شوراهای اسلامی کار یادگار شوراهای اسلامی اعتصاب در دوران پیروزی انقلاب هستند، ساختار این تشکل که از ابتدای انقلاب تاکنون به صورت بنیادین مانده است باید در آینده نیز حفظ شود. . . وظایف شوراهای باید به گونه ای اصلاح شود که اعضای آن اختیارات بیشتری در تصمیمات هیات مدیره داشته باشند. . . فعالیت همزمان بیش از ۲ تشکل کارگری غیر ممکن است، انجمن های صنفی و سایر اتحادیه های کارگری از تشکیلات مکمل شوراهای اسلامی کار هستند که باید به درخواست کارگران تشکیل گردند.

وی نقش شوراهای اسلامی کار در جریان خصوصی سازی را مهم خواند و در واقع یادآور شد، این نهاد زرد و ارتجاعی اهرمی است در خدمت جناح بندی های رژیم در جریان خصوصی سازی و سهم خواهی آنها از این برنامه ضدملی و ضد کارگری!

زرفش موضوع، یعنی پیگیری خواست ایجاد سندیکاهای واقعی و احیاء حقوق سندیکایی زحمتکشان تابدان درجه رسیده است که روزنامه شرق به تاریخ دوشنبه ۷ دی ماه سال جاری خورشیدی طی یک مطلب تحلیلی به بازگویی مسایل پرداخت و مقاله ای را تحت نام بررسی موانع اقتصادی - سیاسی شکل گیری تشکیلات مستقل کارگری، چکش پنجم بر میخ شورا و نعل سندیکا به قلم شخصی به نام خسرو حق مدار تهرانی در بخش اقتصاد سیاسی خود انتشار داد. در این مقاله به چگونگی رفتار و برخورد مسئولان خانه کارگر در مسایل کارگری، مواضع و منافع آنها و نیز

گزارش سازمان ملل در رابطه با تأثیر فقر و جنگ بر کودکان

شیوع بیماری ایدز تنها به ابتلای کودکان به این بیماری محدود نمی شود بلکه در نتیجه آن کودکان همچنین مجبور می شوند به دلیل مرگ یا بیماری پدر و مادرشان سرپرستی خانواده هایشان را به عهده بگیرند. بر اساس آن چه در گزارش آمده است، این موضوع یکی از عوامل موثر در فقر و محرومیت کودکان، از جمله و بویژه اجبار به ترک مدرسه، محسوب می شود.

با اشاره به بررسی سازمان بین المللی کار، گزارش این طور نتیجه گیری می کند که به احتمال زیادتر کودکان بی سرپرست بیشتر از کودکانی که سرپرست دارند به بیگاری روی زمین های کشاورزی، دست فروشی، خانه شاگردی و فحشا واداشته می شوند. گزارش در پایان حاوی پیام روشنی برای دولت های جهان است: در قبال کودکان جامعه خود متعهد باشید. هر چند که طبق مفاد همین گزارش دولت های محدودی اصول حقوق بشر را پایه اصلی برخورد با شهروندان جامعه خود قرار داده اند.

به نقل از نشریه «هفته نامه جهان مردم»، ارگان حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، ۱۶ دسامبر ۲۰۰۴

ادامه جنبش کارگری - سندیکایی ...

سهام داشتن برخی از آنها به عنوان سهام داران شرکت های صنعتی و در واقع کارفرما بودن آنها، روابط خانه کارگر با کنفدراسیون آزاد کارگری (ICFTO)، روابط اینان به جناح بندی های درون حکومتی، نقش مداخله جویانه اصلاح طلبان حکومتی در تشکل های ظاهراً کارگری و سیاست کلی آنها، نقش مخرب و پنهان ارتجاع و نیروهای نظیر حزب اسلامی کار ویاند های وابسته به رفسنجانی اشاره ای گذرا و معنادار شده است.

مقاله چالش های پیش روی جنبش سندیکایی را با دیدگاهی معین عرضه می دارد! همه این مسایل، نشانگر ضرورت آگاهی و دقت فعالان سندیکایی و مبارزان راه زحمتکشان در اوضاع بغرنج و حساس کنونی است. از یک سو باید توطئه های ارتجاع بویژه در آستانه انتخابات ریاست جمهوری را افشاء کرد و در راه تشدید مبارزه جنبش کارگری برضد ارتجاع کوشید، از دیگر سو باید با مداخلات اصلاح طلبان و اقدامات مغایر با منافع کارگران مقابله کرد و شالوده های ایجاد سندیکاهای واقعی و نه فرمایشی را برپایه صحیح طبقاتی با توجه به امکانات موجود و اوضاع جاری پی ریزی کرد. راهی دشوار اما امکان پذیر!

کمک های مالی رسیده

تعدادی از هواداران حزب از نیوجرسی ۱۵۰ دلار

گزارش سالیانه یونسف درباره وضعیت کودکان در جهان تصویر غم انگیزی را در این روزهای جشن سال نو میلادی ارائه می دهد. بنیاد کودکان سازمان ملل در گزارش خود به این موضوع اشاره می کند که بیش از نیمی از کودکان جهان به دلیل فقر، جنگ و فاجعه ایدز در محرومیت بسر می برند. این گزارش ۱۶۴ صفحه ای در ضمن این که جزئیات پیشرفت هایی را متذکر می شود که در سالهای اخیر به دست آمده است روشن می کند که این پیشرفت ها به هیچ وجه کافی نبوده و هنوز تا مقصد راه درازی در پیش است. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل، در پیش گفتار گزارش ملت ها را فرا می خواند که در نشست سال ۲۰۰۵ برای بررسی «بیابان هزاره» مفاد این گزارش را به خاطر داشته باشند. عنان می نویسد: مورد تهدید قرار گرفتن کودکان آینده همه ما را به خطر می اندازد. در گزارش آمده است با وجودی که فقر در کشورهای در حال رشد وخیم تر است ولی این مشکل در کشورهای صنعتی مثل آمریکا نیز از معضلات عمده جامعه به شمار می آید. در دهه گذشته نسبت کودکانی که در خانواده های کم درآمد زندگی می کنند در ۱۱ کشور از ۱۵ کشور رشد یافته افزایش یافته است.

افزون بر این، گزارش تلاش می کند تا مفهوم فقر را تا حد یکی از مسائل حقوق مدنی گسترش دهد، بدین صورت که آن را فراتر از محرومیت مالی می داند چرا که کودکان فقیر نمی توانند از حقوق انسانی بهره مند شوند، نمی توانند به طور کامل تواناییهای خود را به کار برند یا به عنوان عضوی کامل و برابر حقوق در جامعه شرکت کنند. نویسندگان در سراسر گزارش بر این نکته تأکید دارند که هزینه سالانه دفاعی در جهان تقریباً یک تریلیون دلار است و این رقم بسیار بیشتر از مقدار بودجه ای است که قادر به حل معضل فقر است، که در حدود ۴۰ تا ۷۰ میلیارد دلار تخمین زده می شود. در گزارش تأکید می شود که کودکان آغاز کنندگان جنگ ها نیستند، ولی در معرض مرگ آور ترین آثار جنگ ها قرار دارند. برآورد می شود که از سال ۱۹۹۰ به این طرف ۹۰ درصد قربانیان جنگ ها غیر نظامیان بوده اند که ۸۰ درصد آنان را زنان و کودکان تشکیل می دهند. در گزارش علاوه بر اشاره به سربازگیری کودکان در برخی از نقاط جهان، بویژه نسبت به آثار منفی دراز مدت جنگ چون ناراحتی های روحی و روانی، خشونت های جنسی و نبود آموزش و پرورش ابراز نگرانی می شود. نویسندگان گزارش بدون اینکه به طور مستقیم به جنگ هایی اشاره ای کنند که آمریکا از سال ۲۰۰۱ تا کنون به راه انداخته است (انتقادی که به کارول بلامی مدیر یونسف شده است) به تحقیقات یک سازمان دیده بان حقوق بشر اشاره کرده اند که نشان می دهد که کاربرد بمب های خوشه ای توسط نیرو های ائتلاف در عراق یکی از علت های اصلی تلفات جانی غیر نظامیان بوده است. به علاوه در گزارش آمده است که اخیراً بیش از ۱۰۰ کودک در درگیری بین عراقی ها و نیروهای ائتلاف در شهر فلوجه کشته شدند که برخی از آنها در راه مدرسه بودند. شرایط سیاسی منجر به این جنگ افروزی ها نیز در گزارش مورد انتقاد قرار گرفته است. جهان در آغاز قرن بیست و یکم نه تنها امن تر نیست بلکه بر اثر وحشت و جنگ بیشتر دچار شکاف و جدایی شده است و سیاست غالب بر آن سیاست جنگ افروزی شده است. در گزارش به واقعیت تکان دهنده بحران شیوع بیماری ایدز اشاره می شود و از جامعه بین المللی خواسته می شود تا کمک های ضروری و داروهای مؤثر را در دسترس قربانیان قرار دهند. مساله

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هر گونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Nameh Mardom-NO 703
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

5 January 2005

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

IRAN e.V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک